

• یک درس مهم

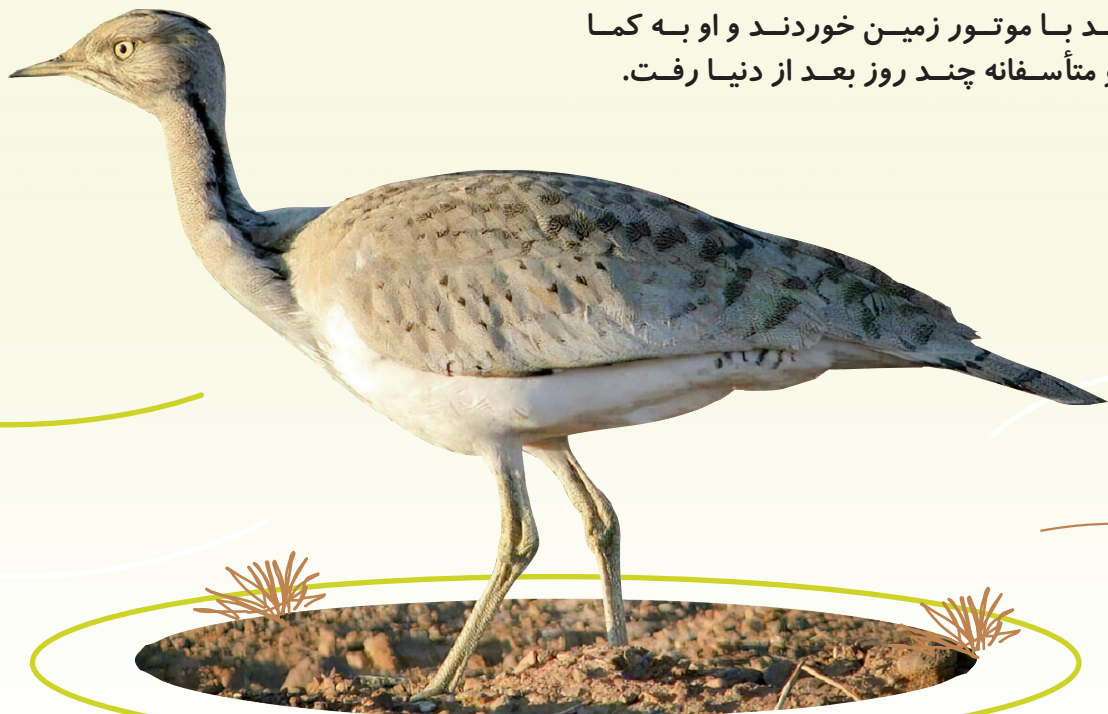
تصمیم مهم عبدالاحد در زندگی‌اش باعث شد او تعداد زیادی حیوان و پرنده را نجات دهد. او با این کارش به ما نشان داد وقتی فهمیدیم کاری که می‌کنیم اشتباه است باید از آن دست برداریم. او یک چیز دیگر هم به ما یاد داد و آن این که وقتی یک قول خوب دادیم سر قولمان بمانیم و آن را فراموش نکنیم. شما اگر کسی را می‌شناسید که شکار می‌کند، می‌توانید این ماجرا را برایش تعریف کنید شاید او هم قول بدهد دیگر هیچ حیوانی را شکار نکند.

خیلی مهربان بود. کم حرف می‌زد اما می‌شد فهمید چه قدر به کارش علاقه دارد. از روزی که شکار را کنار گذاشته بود اصلاً دوست نداشت کسی حیوان یا پرنده‌ای را شکار کند یا درختی را بشکند. او چند سال مواظب پرنده‌ها و حیوانات در صحراها و بیابان‌های خواف بود اما چند وقت قبل برای او حادثه‌ای اتفاق افتاد و از دنیا رفت.

• یک اتفاق بد

چند وقت قبل، به او خبر دادند که شکارچی‌ها برای شکار هوبره‌ها تله گذاشته‌اند. هوبره پرنده ارزشمندی است که در بیابان‌های خواف پیدا می‌شود. شکارچی‌ها آن‌ها را با گذاشتن تله، شکار می‌کنند تا به خارج از کشور بفرستند و پول گیرشان بیاید. وقتی عبدالاحد با همکاریش به سرعت برای پیدا کردن تله‌ها می‌رفتند با موتور زمین خوردند و او به کما رفت و متأسفانه چند روز بعد از دنیا رفت.

نویسنده: عباسعلی سپاهی پونس



قصه‌های

شماره ۲۶
۴ دی ماه
۱۳۰۰

آدم
حسابی‌ها